

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، نهاد ترجمه نظام‌مند

دل‌آرا مردوخی^۱

مقدمه

نیمه نخست سده حاضر، دورانی است که ناشران خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی بسیاری با انتشار گسترده کتاب‌ها، تدوین، تولید و چاپ به شیوه نوین را در ایران پایه‌گذاری کرده‌اند. این گونه ناشران منابع سرشاری از اطلاعات فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، هنری، فلسفی و ادبی را به علاقه‌مندان، پژوهندگان و دانشجویان عرضه کرده و در کتابخانه‌ها و پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها قرار داده‌اند که از آن میان است: مطبوعه مجلس، خاور، علمی، زوار، اقبال، امیرکبیر، فرانکلین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بنیاد فرهنگ ایران و... نیز سازمان انتشارات دانشگاه‌ها همچون: دانشگاه تهران، تبریز، مشهد و ...

برخی از آن مؤسسات فرهنگی - انتشاراتی با شرایط و اهداف ویژه‌ای فعالیت می‌کردند. «انتشارات فرانکلین» شاید یکی از متفاوت‌ترین ناشران آن دوران باشد. شرایط عقد قرارداد، تدوین و ترجمه، واگذاری چاپ به ناشران دیگر و مواردی از این دست، زمینه‌های این تفاوت هستند. «بنیاد فرهنگ ایران» نیز از آنجا که بر پایه پژوهشی و تدوین فرهنگ‌ها در ابتدا شکل گرفت، با مشخصات و اهداف خاصی به فعالیت می‌پرداخت. نمونه دیگر، «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» است که با هدف «ترجمه آثار درجه یک جهان به زبان فارسی»، آغاز به کار کرد.

با آنکه دیرسالی از فعالیت یا متوقف شدن فعالیت انتشاراتی این مؤسسات نمی‌گذرد، آگاهی چندانی درباره بسیاری از آنها در دست نیست، هرچند ممکن است برخی از این نهادهای انتشاراتی هنوز به فعالیت گسترده خود با همان نام یا ذیل نامی جدید ادامه دهند. از این رو، درباره این نهادهای انتشاراتی، تنها

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه الزهرا dmardoukhi@yahoo.com

برخی تک‌نگاشته‌های کوتاه در دائرةالمعارف‌ها^۱ در دست است و این گونه نوشته‌ها نیز بیشتر متکی بر فهرست‌های انتشاراتی یا برخی مقدمه‌های سرآغاز کتاب‌ها سامان یافته‌اند. گذشته از این مورد، بخش زیادی از اسناد و اطلاعات مربوط به این موسسات در پی ادغام‌ها از میان رفته، گذشت زمان، امکان استفاده از خاطرات شفاهی افراد دست‌اندرکار یا مطلع از جریان انتشارات را تقریباً از میان برده است. بسیاری از دست‌اندرکاران امور تألیف، ترجمه، تولید و انتشارات این مؤسسات یا در گذشته‌اند یا کهولت مانع از یادآوری جزئیات است. با این همه، منابع دیگری برای دریافت اطلاعات وجود دارد: مقالاتی که به نقد و بررسی کتاب‌های منتشر شده در مجلات آن زمان پرداخته‌اند، بررسی اسناد برخی از بایگانی‌های اسناد در مراکز دولتی که احتمال دارد جزئیاتی اندک و ظریف از کارکرد این مؤسسات را در اختیار بگذارند، تأمل در برخی منابع فرعی مانند آگهی‌های کتاب‌ها در نشریات و بررسی محصولات فرهنگی و منتشرشده از سوی این مؤسسات. با این همه باید یادآور شد که آگاهی‌های به دست آمده درباره این مؤسسات، بسیار کمتر و ناقص‌تر از آن است که بتوان داعیه بازشناسی فعالیت‌های چنین مؤسساتی را مطرح کرد. اما ضرورت شناخت چنین مؤسساتی در روند تولید و گسترش علم و اطلاعات، پژوهشگران را به ادامه تلاش تشویق می‌کند.

از میان این نهادها، نام این بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در بسیاری از کتاب‌ها و منابع و پژوهش‌هایی که امروزه مورد استفاده محققان و علاقه‌مندان به تاریخ، ادبیات، هنر و فلسفه است، به چشم می‌خورد و نامی است آشنا برای اهل مطالعه و نشر کتاب. گذشت سی سال از زمان فعالیت مستقل بنگاه، ادغام بازمانده آن با مؤسسات دیگر و به تدریج زوده شدن نام ناشری که شاید بتوان گفت یکی از پیشگامان انتشارات نظام‌مند در ایران بوده است، ضرورت بازشناسی بیشتر فعالیت‌های علمی و انتشاراتی این بنگاه را مطرح می‌سازد.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، از سال ۱۳۳۲ شمسی با تلاش‌های احسان یارشاطر (ناظر و سر ویراستار) و اسدالله علم که در آن زمان مباشر «سازمان املاک و مستغلات پهلوی» بود، تأسیس شد. گذشته از این دو در نخستین هیئت مدیره بنگاه، بهبهانیان و سید حسن تقی‌زاده نیز شرکت داشتند و ادوارد ژوزف، بازرس آن بود. از سال ۱۳۴۵ جعفر شریف امامی به جای اسدالله علم نشست و برخی از سناتورها به عضویت هیئت مدیره درآمدند. از آنجا که از سال ۱۳۳۶ یارشاطر برای تدریس به دانشگاه کلمبیا^۲ دعوت شد، بهرام

۱. عدم بررسی علمی نه تنها درباره بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در مورد بسیاری از مؤسسات انتشاراتی که فعالیت‌های آنها متوقف شده است، مشاهده می‌شود. مدخل «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» در دائرةالمعارف ایرانیکا که توسط ادوارد ژوزف، بازرس بنگاه، نوشته شده، مرجع اصلی مقاله حاضر است. همچنین این مدخل در *دانشنامه جهان اسلام* تلخیص و ترجمه شده است.

<http://www.iranica.com/articles/bongah-e-tarjoma>
2. Columbia University

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، نهاد ترجمه نظام‌مند/ دل‌آرا مردوخی

فروهوشی، عبدالحسین زرین‌کوب، ایرج افشار، جعفر شعار، حسن ذوقی و عبدالله سیار به ترتیب تا زمان انقلاب اسلامی به عنوان قائم‌مقام، بنگاه را اداره می‌کردند. این نهاد که به گونه‌ی سازمانی غیرانتفاعی با سرمایه‌ی اولیه‌ی یک میلیون ریال به ثبت رسید، بعدها سرمایه‌اش را به صورت سهام افزایش داد و از حمایت‌های مالی شرکت ملی نفت، سازمان برنامه و بودجه و بنیاد پهلوی برخوردار شد.^۱ در پی آن، به تدریج بنیاد پهلوی این بنگاه را به تملک خود درآورد و بر امور مالی آن نظارت داشت، اما استقلال بنگاه در هیئت تحریریه و اختیارات تام سرویراستار آن به جای خود باقی ماند. از سال ۱۳۵۷ در پی انقلاب اسلامی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب با تغییراتی تحت سرپرستی بنیاد علوی قرار گرفت.

از اواسط سال ۱۳۵۹ و پس از تشکیل بنیاد مستضعفان، بنگاه به صورت مؤسسه‌ای وابسته به بنیادهای علوی و مستضعفان اداره می‌شد. در اوایل سال ۱۳۶۰، فعالیت بنگاه ترجمه و نشر کتاب با چاپ سه جلد کتاب با عنوان «بتونک» ادامه یافت (کلمه‌ای متشکل از حروف اول بنگاه ترجمه و نشر کتاب) و در اواخر سال ۱۳۶۰، با ادغام بنگاه و برخی مؤسسات فرهنگی مشابه، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ایجاد شد و به فعالیت خود ادامه داد. در ۲۹ فروردین ۱۳۶۳ قانون تبدیل مرکز انتشارات علمی و فرهنگی از صورت یک «مرکز وابسته» به «شرکت دولتی وابسته» تصویب شد.^۲ در پی آن، شرکت همچنان دولتی باقی ماند، ولی بودجه آن حذف گردید. انگیزه ایجاد این تغییر، استقلال شرکت در تصمیم‌گیری برای گسترش فعالیت‌های خود بود. در سال ۱۳۷۲ طی مصوبه شورای عالی اداری مقرر شد دستگاه‌های موازی دولتی در هم ادغام شوند؛ از این رو، شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (جانشین انتشارات فرانکلین) منحل و در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - که تقریباً فعالیتشان شبیه به هم بود و از یک زمان شروع به کار کرده بودند - ادغام شد و با عنوان شرکت انتشارات علمی و فرهنگی با نشان سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی با پیشینه‌ای در حدود هشتاد سال معرفی گردید.^۳

این بنگاه چنان که از نامش بر می‌آید، با هدف ترجمه متون و آثاری که به سهولت در دسترس عموم و اهل علم نبودند، بنا نهاده شد و در زمینه‌های مختلف علوم (و بیشتر علوم انسانی) فعالیت کرد. چنان که گفته شد، هدف اولیه بنگاه، ترجمه «نظام‌مند» متون به زبان فارسی بود و برای رسیدن به این هدف، دست به انتشار مجموعه‌های گوناگونی زد. باید خاطر نشان ساخت که بنگاه ترجمه و نشر کتاب، هیچ‌گاه کتابی خارج از مجموعه و بنابراین خارج از قاعده فعالیت برنامه‌ریزی شده خود، منتشر نکرد.

۱. برای آگاهی بیشتر درباره تشکیلات اداری این بنگاه، ر.ک: ژوزف، ادوارد، «بنگاه ترجمه و نشر کتاب»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۳۴۴.

۲. قانون تبدیل مرکز انتشارات علمی و فرهنگی از صورت «مرکز وابسته» به «شرکت دولتی وابسته»، شامل یک ماده واحده و سه تبصره است. در تبصره دوم چنین آمده است: شرکت مذکور موظف است سفارش‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاه‌ها را در اولویت قرار دهد. برای آگاهی از متن این قانون، نک:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90878>

3. <http://elmifarhangi.ir/about/history.aspx>

گام‌هایی که بنگاه ترجمه و نشر کتاب در این راه برداشت، از بسیاری جهات بی‌سابقه بود و دلایلی چند باعث شد که در جریان ترجمه و نشر کتاب، موفق باشد: ترجمه و نشر کتاب‌ها به صورت مجموعه‌ای؛ بهره‌مندی از مترجمانی که هم در حوزه علمی مربوطه صاحب نظر باشند و هم فنون ترجمه را خوب دانسته، زبان و بیان مناسبی را در بازگرداندن متون به کار گیرند؛ دقت در گزینش آثار و مترجمان و به کارگیری روش ترجمه هدفمند در کتاب‌ها که این نشانه‌ها، نوگرایی در شیوه جدیدی از ترجمه و نشر کتاب را نمایان می‌کند. بعدها این روش مورد تقلید قرار گرفت، اما در زمان آغاز به کار بنگاه، شیوه‌ای جدید به شمار می‌آمد. همچنین اقدام برای ترجمه کتاب‌های فارسی، عربی و زبان‌های غربی و ژاپنی، بی‌سابقه بود.

نشان (آرم) بنگاه ترجمه و نشر کتاب، نقش بز کوهی بود که روی سفالینه‌های ایلامی در شوش متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد، به کار رفته و دیرینگی تمدن ایران زمین را نشان می‌دهد. برای مجموعه‌های دیگر نیز نشان‌هایی اینچنین به کار رفت؛ مثلاً بز کوهی با گل لوتوس برای مجموعه میراث فارسی و همچنین شمس هشت‌پر با طرحی از گچبری‌های ساسانی درون دایره قرص خورشید که نشان دانشنامه ایران و اسلام بود.^۱

جلد هر مجموعه از کتاب‌ها، شکل خاص و ثابتی داشت که در تمام آنها تکرار می‌شد؛ همچنین برخی مشخصات نظیر اطلاعات مربوط به نوبت چاپ و تیراژ کتاب، در صفحه‌های نخستین درج می‌شد؛ کاری که پیش از آن در بیشتر کتاب‌ها اتفاق نمی‌افتاد. بنگاه ترجمه و نشر کتاب در ۲۸ سال فعالیت خود، مجموعه‌های متنوعی منتشر کرد که برخی از آنها به شرح زیر هستند:

- مجموعه ادبیات خارجی، ۷۱ عنوان؛ مجموعه ادبیات برای کودکان، ۲۴ عنوان؛ مجموعه ادبیات برای نوجوانان، ۲۷ عنوان؛ مجموعه ادبیات برای جوانان، ۴۷ عنوان؛ مجموعه چهره ملل، ۳۱ عنوان؛ مجموعه داستان‌های ملل، ۱۹ عنوان؛ مجموعه سرگذشت بزرگان، ۵ عنوان؛ مجموعه آینه ایران، ۳ عنوان؛ مجموعه ایرانشناسی، ۶۸ عنوان؛ مجموعه متون فارسی، ۴۸ عنوان؛ مجموعه معارف عمومی، ۱۳۸ عنوان و مجموعه‌های دیگری در زمینه علوم، هنر، تاریخ و فلسفه. همچنین پس از انقلاب اسلامی، دو مجموعه معارف اسلامی و مجموعه سیاسی، در طرح کار قرار گرفت.

۱. نشان بز با دو شاخ بلند غیرطبیعی که به صورت دایره تا روی پشت آمده است، با تفاوت‌های اندکی در جزئیات روی سفالینه‌های ایلامی تکرار شده است. این نشان را برای آرم بنگاه برگزیدند و گل لوتوس (نیلوفر) دوازده‌پر را - که به صورت قبه مرکزی کاشی‌های لعابدار شوش (قرن دوازدهم ق. م) و حجاری‌های دوره هخامنشی (۵۵۰ - ۳۳۰ ق. م) به کار رفته است - بر پشت بز قرار دادند و از آن آرم مجموعه Persian Heritage را طراحی کردند. اصل آثار ایلامی که به صورت جام‌های بلند (کیل) این گونه تصاویر را بر خود دارند، در موزه لوور نگهداری می‌شوند. برای دیدن تصویر این سفالینه‌ها، ر. ک: آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۸۴، شکل شماره ۶ (کیل / لیوان بلند با نقش بز کوهی)؛ همچنین برای دیدن نمونه کاشی لعابدار با طرح گل دوازده‌پر، ر. ک: مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۶، تصویر ۶۵ و ۶۶، ص ۱۸۰، تصویر ۱۱۷.

دانشنامه ایران و اسلام و طرح‌های ترجمه از زبان فارسی، از دیگر برنامه‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب بود. در زمینه ترجمه از زبان فارسی، اولین بار در ۱۳۳۸ پیشنهادهایی مطرح شد. چنان که در ذیل اشاره می‌شود، این پیشنهادهای به انجام طرح‌هایی مشترک با دانشگاه کلمبیا و نیز بخشی از آنها همراه حمایت یونسکو، منجر شد. مجموعه میراث فارسی (۳۶ عنوان)، مجموعه مطالعات ایرانی (۱۲ عنوان) و مجموعه ادبیات مدرن فارسی (۸ عنوان)، نتیجه تلاش‌های بنگاه در ترجمه از فارسی به زبان‌های لاتین بود. طرح دائرةالمعارف/ایرانیکا نیز در همین راستا پیشنهاد شد که پس از تعطیلی بنگاه و متوقف شدن انتشار دانشنامه ایران و اسلام، جایگزین آن فعالیت‌ها شد و انتشار آن در دانشگاه کلمبیا زیر نظر احسان یارشاطر با همکاری شماری از ناشران آمریکایی و انگلیسی آغاز شد.

سرنوشت فعالیت‌های بنگاه

تولید علم و کتاب به عنوان نماد ملموس آن فعالیتی مانا و از بین نرفتنی است، اما وضعیت امروزی کتاب‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به صورتی پرسش برانگیز است. این نهاد با هر وابستگی و وضعیت سیاسی و فرهنگی در روزگار خود، به عنوان یکی از پرکارترین ناشران فعالیت کرده و امروزه نام آن با تغییر و تحولات رخ داده و جابه‌جایی‌ها و ادغام‌های چندباره، تقریباً از چرخه کتاب خارج شده است. به این صورت که با انتقالات رخ داده، کتاب‌ها و میراث بنگاه در حدود دو دهه پس از انحلالش، از آن ناشرانی با نام‌های دیگر شده‌اند و با نام این سازمان‌ها چاپ می‌شوند. اگرچه تداوم انتشار ترجمه‌های بنگاه، گرچه به نام ناشر دیگر، قابل تقدیر است، اما پژوهشگر تاریخ نشر در این میانه، با انبوهی کتاب ناشران مختلف رو به رو می‌شود که در کنار هم و زیر نام مجموعه‌هایی که برای آنها تولید و ترجمه شده بودند، مفهومی دیگر می‌یابند. پیگیری آثار منتشر شده، برای بررسی تاریخچه آنها در کتابخانه‌ها و مراکز مربوط، کاری بس دشوار و گاه ناممکن است، زیرا فرسودگی بسیاری از کتاب‌ها در مراجع جست‌وجو و جایگزینی آنها با چاپ‌های جدیدتر ناشران بعدی، به این وضعیت منجر شده که اگرچه متن ترجمه‌های بنگاه در دسترس است، مشخصات مربوط به نشر و ویژگی‌های ظاهری کتاب‌ها، نشانه‌ای از بنگاه بر خود ندارد.

در این جا برای به دست دادن نمونه‌ای از فعالیت‌ها، دو مجموعه ایرانی‌شناسی و میراث فارسی، و پروژه دانشنامه ایران و اسلام بررسی می‌شود. اینها میان انتشارات بنگاه، آثاری هستند که در پژوهش‌های تاریخی، همچنان مورد استفاده واقع می‌شوند.^۱ نگارنده از آن رو که خود درگیر تحقیق‌ها و پژوهش‌های تاریخی است، این نمونه‌ها را برگزیده و تأکید دارد که مجموعه‌های دیگر، چه آنها که به ادبیات می‌پرداختند و چه مجموعه‌های اطلاعات عمومی و علم و فلسفه و ...، هر یک شایسته توجه و بررسی هستند و طبعاً این کار واگذار به اهل فن آنها است.

۱. برخی از این کتاب‌ها در دهه ۱۳۳۰ شمسی، یعنی حدود پنجاه تا شصت سال پیش، ترجمه شده‌اند و هنوز به عنوان مراجعی معتبر مورد استفاده و ارجاع هستند.

مجموعهٔ ایرانشناسی

یکی از اولین مجموعه‌هایی که کار آن در بنگاه آغاز شد، مجموعهٔ ایرانشناسی بود که از این مجموعه ۶۸ عنوان کتاب به چاپ رسید. نخستین کتاب‌ها در اواسط دههٔ ۱۳۳۰ چاپ شدند و انتشار مجموعه، با فراز و فرودهایی در تمام دوران فعالیت بنگاه ادامه داشت و متوقف نشد. بسیاری از کتاب‌های ایرانشناسی چاپ مجدد رسیدند و برخی با فاصلهٔ کمی از انتشار، نایاب شدند.^۱ این امر از آن رو که برخی از کتاب‌ها، متون تخصصی ایرانشناسی و با متوسط تیراژ حدود پنج هزار نسخه بوده‌اند، قابل توجه است.

هدف این مجموعه در مقدمهٔ ثابت آن در آغاز تمام کتاب‌ها، بدین گونه بیان شده بود: «آثار برگزیده‌ای که به زبانی غیر از فارسی، دربارهٔ ایران و ایرانیان نوشته شده، در دسترس فارسی‌زبانان قرار گیرد».^۲ کتاب‌ها، چنان که در همان مقدمه اشاره شده، بیشتر آثار پژوهشگران غربی یا متون کلاسیک بودند. البته چند مورد استثنا نیز در این مجموعه به چشم می‌خورد، از نظر ساخت و قالب نیز، پژوهش‌ها و تحقیقات، سفرنامه‌ها، منابع مرتبط با تاریخ ایران و کتابشناسی‌ها را دربرمی‌گرفت و در نتیجه، تنوع موضوعی در زمینه‌های تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات و سرگذشت برخی بزرگان داشت.

در این مجموعه به ترجمهٔ آثار ایرانشناسان روس نیز توجه می‌شد، بیشتر به این دلیل که این کتاب‌ها به سادگی در دسترس مردم نبودند و عدهٔ کمتری به زبان روسی آشنایی داشتند و می‌توانستند از اصل آنها استفاده کنند. در نگاه آماری، حدود هفت جلد از نزدیک به هفتاد عنوان کتاب مجموعه، اثر نویسندگان روس است، اما این نوع نگاه به آثار و تحقیقات، ارزش بسیار دارد. در میان این کتاب‌ها، آثاری چون تاریخ و تاریخ ایران باستان، نوشتهٔ دیاکونف؛ تمدن ایران ساسانی، نوشتهٔ لوکونین و نخستین پادشاهان هخامنشی، نوشتهٔ داندامایف به چشم می‌خورند.

سفرنامه‌ها بخش دیگری از این مجموعه بودند و مجموعهٔ متنوعی از سفرنامه‌های مسلمانان و غربیان گردآوری شده بود. مسافرت به ایران، نوشتهٔ سولتیکف؛ سفرنامهٔ کلاویخو؛ رحلهٔ ابن بطوطه؛ سیاحت درویشی دروغین، نوشتهٔ آرمینوس وامبری؛ سفرنامه‌ی فرد ریچاردز و سفرنامهٔ پیتر دلاواله، برخی از این کتاب‌ها هستند. از سوی دیگر تعدادی از منابع تاریخ و جغرافیایی نوشته شده به وسیلهٔ مسلمانان از زبان عربی به فارسی ترجمه شده بود و در مجموعهٔ ایرانشناسی به چاپ می‌رسید. زندگی شگفت آور تیمور، نوشتهٔ ابن عربشاه؛ تاریخ یعقوبی؛ مروج الذهب، معادن الجواهر، التنبيه و الاشراف، نوشتهٔ مسعودی و بخشی از تاریخ طبری، از این دست است.

چنان که اشاره شد، موارد معدودی از کتاب‌های این مجموعه ترجمه شده نبودند، چنان که فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (در سه جلد) و کتابشناسی موضوعی (۱۳۴۳-۱۳۴۸) با تلاش ایرج افشار و حسین

۱. چنان که انتشارات سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ در سال ۱۳۴۴ نایاب بوده‌اند (فهرست انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دی‌ماه ۱۳۴۴).

۲. مقدمهٔ سرویراستار بر مجموعهٔ ایرانشناسی و فهرست انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دی‌ماه ۱۳۴۴.

بنی‌آدم و همکاری انجمن کتاب، در مجموعهٔ ایرانشناسی چاپ شد. دو عنوان *داستان‌های ایران باستان* و *داستان‌های شاهنامه* که توسط احسان یارشاطر تدوین شده بودند نیز در این مجموعه قرار گرفت. اگرچه اشارهٔ خاصی به دلیل این کار نشده، به نظر می‌رسد همخوانی بیشتر این کتاب‌ها با موضوع و هدف مجموعهٔ ایرانشناسی، باعث قرار گرفتن آنها در مجموعه شده است.

چنان که اشاره شد، با تعطیلی بنگاه ترجمه و نشر کتاب و تحولاتی که پس از آن رخ داد، کتاب‌ها به تدریج توسط ناشران دیگر به چاپ‌های مجدد رسیدند و مسلماً نشانه‌های مربوط به بنگاه، همچون شکل ثابت صفحه‌های ابتدایی کتاب و مقدمهٔ سرویراستار مجموعه‌ها از چاپ‌های جدید حذف شد.

دانشنامهٔ ایران و اسلام

ضرورت دانشنامه‌نویسی و گردآوری اطلاعات با ساختاری فشرده و کمابیش همگون به زبان فارسی، اگرچه از بسیار پیش‌تر درک شده بود، در سدهٔ اخیر صورت جدی‌تری به خود گرفت. یکی از مهم‌ترین دانشنامه‌ها بدین مفهوم (اگرچه گستردگی بسیار داشت)، *لغت‌نامهٔ دهخداست*. به تدریج در نیمهٔ نخست سدهٔ حاضر شمسی، تدوین دو اثر، یکی عمومی و دیگری با رویکردی تخصصی‌تر، آغاز شد. اثر اول *دائرةالمعارف فارسی* به سرپرستی غلامحسین مصاحب و دومی *دانشنامهٔ ایران و اسلام* به سرپرستی احسان یارشاطر بود. گرچه این دو از نظر حجم، هدف، و رویکرد تفاوت‌های بسیار داشتند، اما هر دو بر بنیان ترجمه آغاز شدند.^۱

دانشنامهٔ ایران و اسلام، با رویکرد تخصصی نسبت به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی آغاز شد. ضرورت تدوین آن از مدت‌ها پیش احساس می‌شد و اندیشه‌ی ترجمهٔ *دائرةالمعارف اسلام (EI)* به عنوان منبعی برای رفع این نیاز در اذهان بود؛ از دیگر سو پیشرفت کار انتشار و پراست دوم *دائرةالمعارف اسلام (EI2)*، این ضرورت را بیش از پیش خاطر نشان می‌ساخت. از این رو که گرچه حوزهٔ کار *دائرةالمعارف اسلام*، مباحث مربوط به ایران را نیز دربرمی‌گرفت، از آن جا که گستردگی کار مانع از پرداختن به جزئیات مربوط به ایران بود و مطالب مرتبط به تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام و نیز شماری از اعلام افراد و مکان‌ها و آثار ایرانی را شامل نمی‌شد، نیاز ایرانیان و به ویژه پژوهشگران را برطرف نمی‌ساخت.^۲

پیشنهاد تدوین دانشنامه‌ای که از مبنای *دائرةالمعارف اسلام* استفاده کند، زواید نامرتبط را کنار بگذارد و نواقص را با تألیف مدخل‌های جدید کامل کند، در بنگاه ترجمه و نشر کتاب مطرح شد و کار بدین ترتیب آغاز شد.

۱. *دائرةالمعارف فارسی* با ترجمهٔ *دائرةالمعارف کلمبیا (Columbia-Viking Desk Encyclopedia)* و اضافه کردن مدخل‌های مربوط به ایران تولید شد، تقریباً شبیه به روشی که در *دانشنامهٔ ایران و اسلام* به کار گرفته شد. اما باید در نظر داشت که هم *دائرةالمعارف کلمبیا* و هم *دائرةالمعارف فارسی*، رویکردی عمومی‌تر نسبت به *دانشنامهٔ ایران و اسلام* داشته‌اند.

۲. *دانشنامهٔ ایران و اسلام*، جزوهٔ یکم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، پیشگفتار جعفر شریف امامی.

عنوان *دانشنامه ایران و اسلام* نیز با توجه به عواملی انتخاب شد. واژه‌ی دانشنامه به عنوان معادل encyclopedia و دائرةالمعارف، با توجه به سابقه‌ای که پیش از آن در متون کهن فارسی وجود داشت و بیش از همه با تأکید بر خوانش آسان‌تر آن، برگزیده شد؛ ایران و اسلام، از آن رو که مدخل‌ها مربوط به هر دو حوزه و گاه حوزه مشترک ایرانی و اسلامی بودند، برای توصیف دانشنامه به کار رفت.^۱ مقالات این دانشنامه، موضوعاتی چون مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، دین، زبان‌ها، علوم، ادبیات، هنرهای ایران و عالم اسلامی و زندگی‌نامه عده‌ای از افرادی را که در تاریخ این نواحی اهمیت داشته‌اند، دربرمی‌گرفت.^۲

بخشی از مقدمه‌ی *دانشنامه ایران و اسلام* که به شیوه ترجمه مقالات *دائرةالمعارف اسلام* و تدوین مقالات فارسی اختصاص یافته، در واقع شیوه‌نامه‌ای بسیار دقیق و کارآمد است و سابقه‌ی مصنفان آن در امر ترجمه و آشنایی آنان با مسائل و مشکلات چاپ و ترجمه را به خوبی نشان می‌دهد. در این مقدمه بر ساده‌نویسی، ثبوت و ترجمه درست اسامی و توجه به آنچه در زمان تدوین دانشنامه رایج بوده، تأکید بسیار شده است. همچنین شیوه‌نامه اختیار نویسندگان در گزینش یکی از شیوه‌های رایج (در مواردی که چند شیوه وجود دارد) را محترم می‌شمارد.^۳ این دو نکته از آن رو مهم است که توجه تصمیم‌گیرندگان به روانی متن، سادگی درک آن برای خواننده و فشار نیاوردن به مؤلف یا مترجم برای پیروی از شیوه خاص را مورد توجه قرار می‌دهد. این مسئله در مجموعه‌ای چون *دانشنامه ایران و اسلام* که تألیف و ترجمه نوشته‌های نویسندگان گوناگون فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان بوده، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

پس از تعطیلی بنگاه، کار تدوین دانشنامه‌ای با این هدف در دانشگاه کلمبیا با عنوان *دائرةالمعارف ایرانیکا* به زبان انگلیسی در دانشگاه کلمبیا، در دوران فعالیت بنگاه و با حمایت هویدا، نخست وزیر وقت، مطرح شده بود، اما تحولاتی که در پی آن آمد، باعث شد کار *دانشنامه ایران و اسلام* متوقف شده و *ایرانیکا* تقریباً به جای آن پی گرفته شود. در دوران فعالیت بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ده جزوه از *دانشنامه ایران و اسلام* منتشر شد. تقریباً نیمی از مقالات جزوه اول ترجمه و نیم دیگر تألیف است و می‌توان گمان برد که سایر جزوه‌ها نیز با همین ترتیب (و شاید حتی گسترش مقالات تألیفی نسبت به ترجمه) پیش رفته بودند. دوران نشر آن کوتاه بود و جزوه‌های چاپ‌شده به حدی نرسید که بتوان نقد و بررسی جدی در مورد آن‌ها انجام داد. گذشته از چند انتقاد و مقاله، مهم‌ترین متن درباره این دانشنامه، مقدمه و آن در ابتدای نخستین جزوه است که ضرورت، سابقه، و روش تدوین آن را بیان می‌کند.

از سوی دیگر، سرعت چاپ جزوه‌های دانشنامه (که بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ حدود ده جزوه به طور

۱. *دانشنامه ایران و اسلام*، جزوه یکم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، مقدمه سر ویراستار، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۲۳.

متوسط دویست صفحه‌ای به چاپ رسید و برخی چاپ مجدد شد) گویای فعالیت گروهی خبره در امر تألیف و ترجمه، سرپرستی دقیق کار و به موازات آن، فعالیت جدی بخش تولید است. بی‌گمان نقش سرویراستار و ویراستاران و همچنین گروه تولید اعم از نمونه‌خوانان و نسخه‌پردازان و نیز بخش حروفچینی، در سرعت کار قابل تشخیص است، چه انجام کاری توأمان تألیف و ترجمه و شامل مدخل‌هایی با گستردگی موضوعی و حتی زبانی (پهلوی، عربی، ترکی و ...) نیازمند دقت و تلاش بسیار زیاد است. چنان که گفته شد، دانشنامه مقالاتی از دوره باستان در تاریخ ایران و مسائل باستان‌شناسی و ...، تا تاریخ اسلام و نیز جغرافیای ایران، فرهنگ، زبان و ... را دربرمی‌گرفت. برای نمونه مقالات مربوط به باستان‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی و نیز مداخل مربوط به تاریخ اسلام و مسائل خاص اسلامی شامل حروف و علائم خاص می‌شدند. این مسئله هم در تولید و ویرایش و هم در چاپ و کنترل نهایی، دشواری‌هایی را ایجاد می‌کرد و نیازمند توجه و دقت ویژه گروه ویرایش و سرپرستان کار بود.

دانشنامه ایران و اسلام تا حد زیادی تخصصی بود، اما شرایط و نیازهای علاقه‌مندان را در نظر می‌گرفت. توجه به خوانش آسان متون و مسائلی از قبیل ارجاع‌ها، پانویس‌ها، اسامی و سایر نکات مربوط به متن از یک سو و شرایط اجتماعی چون توانایی خرید از سوی دیگر لحاظ می‌شد. قیمت هر یک از جزوه‌ها با توجه به کار پژوهشی و ترجمه و سایر ظرافت‌ها، به نسبت کتاب‌های چاپی مشابه در همان زمان، بسیار پایین‌تر بود تا دانشنامه محدود به کتابخانه‌های عمومی و تخصصی نماند.

برای نمونه ایرج افشار در معرفی کتاب‌های تازه در *راهنمای کتاب* (فروردین ۱۳۵۶) چنین بیان می‌کند: «بهای این کتاب بسیار نازل معین شده است. بهای چنین کتابی که متشکل از حروف ریز متنوع و تصاویر و نقشه‌ها است و به صورتی مرغوب چاپ شده است، بدین ارزانی عجیب است»^۱. باید اشاره کرد که قیمت جزوه اول *دانشنامه ایران و اسلام* و همین شماره از *مجله راهنمای کتاب*، (با حدود صفحات یکسان) هر دو ۲۵ تومان بود و نیز این مطلب سه سال بعد از آغاز به چاپ جزوه‌ها نوشته شده و احتمالاً در آن زمان تعدادی از این جزوه‌ها در دسترس بوده و امکان قضاوت را فراهم می‌کرده است. همچنین باید یادآور شد که شرایط تولید دانشنامه، که مقالات تألیفی و ترجمه‌ای داشته - قطعاً با اوضاع *مجله راهنمای کتاب*، یکسان نبوده است و این خود نشانگر ارزانی نسبی جزوه‌های دانشنامه است.

مجموعه میراث فارسی

ترجمه به زبان فارسی، تنها هدف بنگاه ترجمه و نشر کتاب نبود، چنان که پس از چند سال فعالیت، پیشنهاد ترجمه متون فارسی به زبان‌های غربی اصلی (انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ...) بر این اساس طرح همکاری برای این امر با دانشگاه کلمبیا مطرح شد. حاصل این کار چنان که پیشتر نیز اشاره شد - مجموعه‌های میراث فارسی، مطالعات ایرانی و ادبیات مدرن فارسی، پیشنهاد ترجمه تاریخ طبری در چهل

۱. [افشار، ایرج]، «معرفی کتاب‌های تازه»، *راهنمای کتاب*، سال بیستم، فروردین ۱۳۵۶، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، نهاد ترجمه نظام‌مند/ دل‌آرا مردوخ

جلد و طرح *دائرة المعارف ایرانیکا* بود.

تقریباً یک دهه پیش از آغاز این اندیشه در بنگاه، سازمان فرهنگی - آموزشی یونسکو پروژه «مجموعه آثار ارزشمند»^۱ خود را آغاز کرده بود و بخشی از آن به ترجمه متون فارسی می‌پرداخت، اگرچه پیشرفت چندانی حاصل نشده بود. در نتیجه برخی رایزنی‌ها، طرح مشترکی برای ادغام این دو طرح بین بنگاه ترجمه و نشر کتاب و یونسکو برای ترجمه‌ی متون ارزشمند فارسی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، ژاپنی و ... مطرح شد. بر این اساس، بخشی از بار مالی چاپ این کتاب‌ها را بنگاه به عهده گرفت^۲ و نیز شورای ویراستاری کتاب‌ها، به سرپرستی احسان یارشاطر، در دانشگاه کلمبیا تشکیل شد. *ایرانیکا* از انجام شدن این طرح و چاپ کتاب‌ها با همکاری این دو نهاد تحت عنوان «مجموعه میراث فارسی» سخن می‌گوید، اما در عمل دسترسی به شواهد این امر بسیار محدود است.

توضیح آنکه یونسکو بین سال‌های ۱۹۴۸ - ۲۰۰۵ در ترجمه مجموعه وسیعی از کتاب‌های ارزشمند (حدود هزار عنوان) از زبان‌ها و به زبان‌های گوناگون مشارکت کرده است.^۳ حدود هفتاد جلد از این کتاب‌ها از زبان فارسی یا از زبان‌های دیگر و با موضوع مرتبط به ایران ترجمه شده‌اند. یونسکو هیچ‌گاه در این مجموعه خود ناشر کتاب نبوده و تنها گاهی بخش اندکی از بار مالی را به عهده داشته است. امر فنی نشر مجموعه کتاب‌های ارزشمند با همکاری ناشران دیگر انجام می‌شده است.^۴ همکاری بنگاه ترجمه و نشر کتاب و یونسکو بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۹ قطعی است، اما در هیچ موردی از فهرست این مجموعه در منابع یونسکو، بنگاه ترجمه و نشر کتاب به عنوان ناشر قید نشده است و همواره ناشران معتبر دیگری در اروپا و امریکا، کتاب را منتشر کرده‌اند، از این رو بنگاه در مشخصات کتابشناختی هیچ یک از کتاب‌ها وارد نشده و تنها با در دست داشتن اصل یا تصویر کتاب و از طریق یادداشت‌های سرویراستار و نام بنگاه در صفحات اولیه، می‌توان به دخالت بنگاه در تولید آن کتاب خاص پی برد.

از سوی دیگر با توجه به گذشت زمان و اهمیت کمتر کتاب‌هایی که تصحیح یا ترجمه آنها به زبان فارسی در ایران، استفاده بیشتر داشت، دسترسی به مجموعه میراث فارسی در کتابخانه‌های ایران بسیار دشوار شده است، چنانچه برای نگارنده تنها در چند نمونه معدود، امکان بررسی فراهم شد و نتیجه بررسی

1. Collection of Representative Works

۲. سرویراستار در بخشی از فهرست این کتاب‌ها در *راهنمای کتاب*، از همکاری‌های مالی و تشویق‌های شرکت ملی نفت و وزارت فرهنگ و هنر ایران قدردانی می‌کند: *راهنمای کتاب*، سال هجدهم، آبان و آذر ۱۳۵۴، ضمیمه. در یادداشت کوتاه ابتدای برخی از کتاب‌ها نیز به این نکته اشاره شده است، اما از آن رو که تعداد کافی از این کتاب‌ها در دسترس نگارنده نیست تا بررسی شود، نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که این حمایت‌ها در تمام دوران انتشار مجموعه تداوم داشته یا گاه به گاه بوده است.

3. http://en.wikipedia.org/wiki/UNESCO_Collection_of_Representative_Works

4. Edouard J. Maunick «A library of world classics». UNESCO Courier. FindArticles.com. 19 Apr, 2010

http://findarticles.com/p/articles/mi_m1310/is_1986_Jan/ai_4079807/

آنکه در تمام این کتاب‌ها به همکاری بنگاه و یونسکو، در صفحات مقدماتی اشاره شده است. در مقاله‌ای که در دانشنامه‌ی *ایرانیکا* درباره‌ی بنگاه ترجمه و نشر کتاب تدوین شده است، اشاره شده که ۳۶ عنوان از مجموعه میراث فارسی به چاپ رسیده است، اما فهرست دقیقی از این انتشارات را به دست نمی‌دهد. چنان که گفته شد، یونسکو پیش و پس از همکاری با بنگاه، با ناشران دیگر در زمینه ترجمه کتاب‌های فارسی همکاری داشته است و بر خلاف تصور، به دلیل نبود فهرست دقیق از این کتاب‌ها، حتی تاریخ چاپ نیز کمکی به بازشناسی آنها نمی‌کند. تنها راهنمای قطعی عنوان‌های چاپ شده با همکاری بنگاه، فهرستی است که در انتهای شماره‌ی آبان و آذر سال هجدهم مجله‌ی *راهنمای کتاب*، در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است. این فهرست بیست عنوان کتاب چاپ‌شده به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی و آلمانی، پنج عنوان کتاب در دست کار و ۲۳ عنوان کتاب در برنامه چاپ را دربرمی‌گیرد و در مورد کتاب‌های چاپ شده، مشتمل بر معرفی کوتاهی است.^۱ به نظر می‌رسد که برنامه پیش‌بینی شده، تکمیل نشده است. چنان که گفته شد، علت اصلی دور از چشم ماندن این کتاب‌ها، عدم درج نام بنگاه ترجمه و نشر کتاب یا عنوان مجموعه میراث فارسی در مشخصات کتابشناختی و در نتیجه وارد نشدن این کتاب‌ها به فهرست‌ها و کتابشناسی‌هاست که پیگیری این کتاب‌ها را دشوار می‌کند. با توجه به اهمیت و پیشگامی بنگاه ترجمه و نشر کتاب در ترجمه از زبان فارسی و به‌کارگیری اصول چاپ، مجموعه‌ای در این کتاب‌ها (همانند سایر انتشارات بنگاه)، به دست فراموشی و گمنامی سپردن این مجموعه - که در نوع خود کم نظیر می‌نماید - کاری حسرت‌آور است.

نتیجه

نام بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به عنوان یکی از چندین مؤسسه فعال در امر نشر، در نیمه نخست این سده، در بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های جدید به عنوان ناشر منابع و کتاب‌های ارزشمند تکرار می‌شود. نقش این نهاد در امر ترجمه - که به صورتی بی‌سابقه نظام‌مند و پیرو ساختار مجموعه‌ای بود - در روشن ساختن روند ترجمه و نشر به صورت نوین در ایران اهمیت بسیار دارد. از بین رفتن منابع اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های آن، نگرانی از ادامه بیش از پیش این روند و نیز توجه دادن به بررسی درباره‌ی موسسات دست‌اندرکار انتشار منابع و مآخذ تاریخی، باعث شد تا نگارنده درباره‌ی آن نهاد، به کندوکاو بپردازد. بررسی موردی چند مجموعه از انتشارات این بنگاه که با تحقیقات تاریخی گذشته و امروز در پیوند است، نشانگر نقش آن مؤسسه در فراهم آوردن منابع و تولید آنها به صورتی مناسب و شایسته است. بهره‌مندی از روش هدفمند در ترجمه متون از دیگر زبان‌ها به زبان فارسی، ارائه دستاوردهای پژوهشی را از سوی این بنگاه برای علاقه‌مندان و پژوهشگران نشان می‌دهد. از دیگر سو ترجمه متون فارسی به دیگر زبان‌ها، نشان‌دهنده تلاشی بایسته در راستای معرفی گنجینه‌های معنوی ایران در عرصه جهانی است.

۱. *راهنمای کتاب*، سال هجدهم، آبان و آذر ۱۳۵۴، ضمیمه.